

روایت انقلاب در یک میدان

موضوع:
مجسمه‌های
یک میدان
تاریخی

موقعیت:
میدان انقلاب

در دل تهران، میدانی بار تاریخ را بر دوش می‌کشد؛ میدان انقلاب. این میدان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، میدان مجسمه و مدتی ۲۴ اسفند نام داشت و مجسمه پهلوی اول در وسط آن نصب شده بود. مجتبی موسوی استاد دانشگاه و مجسمه‌ساز درباره مجسمه‌های این میدان می‌گوید: «در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، این مجسمه پایین کشیده شد، ولی سال‌های طولانی، سکو و پایه آن همانجا باقی مانده بود تا اینکه معاونت هنری وزارت ارشاد وقت تصمیم گرفت برای برخی از میدان‌ها، مجسمه‌هایی را ساخته و نصب کند. اوایل دهه ۶۰ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طرحی که البته برای اجرا روی دیوار طراحی شده بود با کمی تغییرات، به اصطلاح به صورت نقش برجسته در میدان انقلاب قرار گرفت.»



به گفته این استاد دانشگاه، ایرج اسکندری، نقاش و مجسمه‌ساز نمادی از انقلاب تهران را طراحی کرد و ابوالحسن صدیقی، مجسمه‌ساز برجسته آن را ساخت. اثر جدید یک نقش برجسته در ارتفاع ۸ متر و روایتگر اتفاقات روزهای مبارزات انقلاب نمایش‌دهنده حضور گروه‌های مختلف مردم در تظاهرات بود. همچنین حضور و نقش زنان و اقوام را با حالت‌های مختلف نشان می‌داد و به نقش رهبری و حمایت از مردم در انقلاب تاکید داشت. این نماد ۲۵ سال وسط میدان باقی ماند تا اینکه در سال ۱۳۸۶ شهرداری تهران به دلیل ساخت ایستگاه انقلاب در خط ۴ مترو آن را برداشت. موسوی در ادامه می‌گوید: «برای ایجاد گالری مترو در زیر زمین نیاز بود ارتفاع سقف بلندتر باشد. به همین خاطر میدان به صورت گنبدی شکل ایجاد شد و به‌رغم برگزاری چندین فراخوان طراحی با موضوع انقلاب و ارسال طرح‌های مختلفی از هنرمندان متعدد، هیچ کدام تایید نشد. در همین راستا در دوره‌ای که من به عنوان معاون هنرهای شهری سازمان زیباسازی تهران مشغول بودم، ایده‌ای ارائه دادم که برای تلطیف فضا، گنبد با کاشی‌های سنتی فیروزه‌ای رنگ پوشش داده شود.»

تبلور حماسه ایرانی در کمیاب‌ترین سنگ



دست دیگر را مانند پیغام‌آوران و بشارت‌دهندگان انقلاب، به سمت بالا گرفته بود. با وجود حس پویایی و پیشروی، این مجسمه نیز نتوانست آن حس عظمت و جان‌بخشی مورد انتظار را منتقل کند. بیشتر به کاراکتری انقلابی شباهت داشت تا چهره‌ای فرهنگی و احیاگر. ضمن اینکه جنس برنز، بیشتر از اینکه برای شاعری چون فردوسی مناسب باشد مناسب مجسمه‌های فرماندهان نظامی بود. «شانس با بیان اینکه در نهایت، در دهه ۱۳۵۰ تصمیم مهم‌تری گرفته شد و این بار سفارش ساخت مجسمه به ابوالحسن صدیقی، یکی از برجسته‌ترین مجسمه‌سازان ایرانی سپرده شد، می‌گوید: «صدیقی در اوج پختگی هنری خود قرار داشت. او با تسلط بر تکنیک نئوکلاسیک، آگاهی از مجسمه‌سازی شوروی سابق و شناخت چهره‌پردازهای کلاسیک یونان و روم، موفق شد تصویری از فردوسی بسازد که نه تنها به لحاظ زیبایی‌شناسی، بلکه از نظر حس هویتی و تاریخی، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در عین حال، اشاره‌ای نمادین به زال و نشانه‌ای گنگ از سیمرغ دارد.»

مجسمه فردوسی ساخته شده از سنگ «کارارا»، یکی از فاخرترین و کمیاب‌ترین سنگ‌های مخصوص مجسمه‌سازی در جهان است. ارتفاع آن بیش از سه متر است و پایه آن توسط مهندس گودرز جودت طراحی و از سنگ خاراای همدان تهیه شده است.»



موضوع:
مجسمه
فردوسی

موقعیت:
میدان فردوسی

مجسمه فردوسی، یکی از شاخص‌ترین و ماندگارترین نمادهای هنری پایتخت است که نه تنها در میان آثار شهری تهران بلکه در مقیاس ملی، جایگاهی بی‌بدیل دارد. این مجسمه که اکنون بیش از نیم قرن است در میدان فردوسی ایستاده، راوی داستانی پرفراز و نشیب از انتخاب، جایگزینی و نهایتاً تثبیت تصویری از فردوسی در حافظه جمعی ایرانیان است. حمید شانس، مجسمه‌ساز و استاد دانشگاه، با نگاهی به پیشینه حضور فردوسی در فضای عمومی کشور، می‌گوید: «در سال ۱۳۲۰، همزمان با کنگره بزرگداشت فردوسی، میدانی را به نام فردوسی نام‌گذاری کردند. زرتشتیان پارسی هند نیز در این حرکت فرهنگی سهیم شدند و ساخت پیکره‌ای را به یک مجسمه‌ساز هندی سفارش دادند. این مجسمه که فردوسی را در حالت نشسته و در حال کتابت شاهنامه نشان می‌داد، از جنس برنز بود و پشت به متکابی داده بود. البته خیلی زود، احساس شد که این تصویر از فردوسی با آنچه جامعه به دنبال آن است، همخوانی ندارد. آن مجسمه، بیشتر به یک عارف یا فیلسوف آرام می‌مانست، نه چهره‌ای با صلابت و ملی که بتواند در مرکز شهری پرتدد مانند تهران بدرخشد. به همین دلیل، تصمیم به جایگزینی آن مجسمه گرفته شد و مجسمه‌ای ایستاده از فردوسی، ساخته غلامرضا رحیم‌زاده ارژنگ، به جای آن نصب شد. این اثر حالتی دینامیک داشت، پرانرژی و شتابان؛ فردوسی با یک دست شاهنامه را نگه داشته بود و

هدیه‌ای از ایتالیا

مجسمه‌های اهدایی هنرمندان بین‌المللی به شهر تهران بیشتر بیان‌کننده صلح و دوستی و نمادی برای احترام به فرهنگ و ارزش‌های معنوی کشورهای مختلف هستند. سال ۱۳۸۲ زمانی که بوستان گفتگو ساخته شد یک ویژگی برای آن نظر گرفتند و آن اینکه طراحی بخش‌های مختلف بوستان بر اساس نوع پوشش گیاهی و نمادهای کشورهای مختلف باشد.

از جمله بخش‌های جذاب این بوستان باغ ایتالیایی است که با یک نماد خاص سر زبان‌ها افتاد. سید مجتبی موسوی، مجسمه‌ساز و استاد دانشگاه می‌گوید: «همان سال فرانکو شیروکی، مجسمه‌ساز ایتالیایی مجسمه‌ای از حضرت مریم (س) برای نصب در باغ ایتالیایی بوستان گفتگو اهدا کرد. هدیه‌ای که به نماد صلح



موضوع:
مجسمه
حضرت مریم (س)

موقعیت:
بوستان گفتگو
کوی نصر

و دوستی ملل مختلف تبدیل شد. باغ ایتالیایی در مرتفع‌ترین قسمت بوستان قرار گرفته و تندیس حضرت مریم (س) آنجا خودنمایی می‌کند. شیروکی با الهام از طبیعت و اشکال هندسی، مجسمه‌هایی با سبک انتزاعی و مدرن می‌ساخت. نکته جالب درباره این تندیس محافظ شیشه‌ای بود که دورش نصب کردند. شعبانعلی بیدکی، از معتمدین محله کوی نصر می‌گوید: «زمانی که مجسمه حضرت مریم (س) در بوستان گفتگو نصب شد برای محافظت از یاد و باران و صدمات احتمالی دیگر دورتادور مجسمه را با شیشه پوشاندند. بعد از مدتی اتفاق قابل تاملی افتاد. برخی هم‌وطنان مسیحی داخل این حفاظ شیشه‌ای برای ادای نذران پول می‌انداختند. کم‌کم سعی کردیم به گردشگران توضیح دهیم که این مجسمه به چه دلیلی اینجا نصب شده و دلیلی ندارد پولی داخل شیشه انداخته شود.»

مجسمه دیگری از حضرت مریم (س) در بوستان مریم در خیابان کریم‌خان تهران وجود دارد که حضرت مریم نوزادش حضرت مسیح (ع) را در آغوش دارد.

